

## تأثیر عوامل سیاسی در ازدواج علوبیان با مخالفان اعتقادی - سیاسی در عصر امویان

اعظم ابوالحسنی<sup>۱</sup>  
حمیدرضا مطهری<sup>۲</sup>

### چکیده

ازدواج علوبیان با افرادی از مخالفان فکری و سیاسی خود در طول تاریخ، به ویژه در عصر حضور ائمه علیهم السلام و مهم‌تر از آن در زمان خلافت امویان، از اهمیت خاصی برخوردار بوده و از مسائلی است که پرسش‌هایی را به دنبال داشته و دارد. بی‌تردید عوامل متعددی در این مهم نقش داشته‌اند که سیاست، از مهم‌ترین آنها است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که عوامل سیاسی، چه تأثیری در این ازدواج‌ها داشته‌اند؟ در پاسخ می‌توان گفت با بهره‌گیری از انساب و منابع تاریخی و روایی و با کاربست روش توصیفی- تحلیلی، این فرضیه مطرح می‌شود که عوامل سیاسی به صورت مستقیم و غیر مستقیم و در قالب اموری مانند رقابت‌های سیاسی و قبیلگی، بهره‌گیری از جایگاه علوبیان، زور و اجبار و تلاش برای تحقیر و انزواج علوبیان، در این ازدواج‌ها نقش داشته‌اند. البته علوبیان نیز گاه برخی دختران مخالفان خود را به همسری گرفته‌اند که در بیشتر این موارد، پیشنهاد از طرف مقابل و شاید با ادگیزه ایجاد نسبت با خاندان پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم بوده است.

**واژگان کلیدی:** ازدواج، علوبیان، مخالفان، عوامل سیاسی، عصر امویان.

۱. پژوهشگر سطح چهار تاریخ اهل بیت علیهم السلام، جامعه الزهرا علیهم السلام، قم، ایران (نویسنده مسئول): abolhasany313@gmail.com

۲. دکتری تاریخ اسلام و دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران: H.motahari@isca.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۷/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۳/۱

## مقدمه

تاریخ در عصر امویان، همزمان با حضور پنج امام، شاهد ازدواج‌های علیویان، اعم از مردان و زنان علوی با کسانی است که در صف مخالفان سیاسی یا اعتقادی بودند که این مسئله امروزه منشأ سؤالاتی شده است. آنچه در ابتدای اذهان راه می‌یابد این سوال است که آیا این ازدواج‌ها، امری عادی بوده و مطابق عرف آن زمان صورت گرفته است؟

در نگاشته‌های تاریخی، گزارش‌هایی هرچند محدود از ارتباط سببی برخی از علیویان با مخالفانشان ثبت شده است، که علل و انگیزه‌های این مسئله، همواره منشأ بروز برخی شباهات و ابهاماتی گردیده است. از این رو پژوهش حاضر درصد است با تحلیل منابع تاریخی، انساب و منابع روایی، چگونگی بروز این مسئله را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. در پیشینه بحث می‌توان از کتب و مقالاتی نام برد که با مسائل مورد پژوهش ما در اشتراک است، ولی دامنه پژوهش آنها محدود و بررسی آنها اغلب به یک هویت اختصاص دارد. از جمله مهم‌ترین این پژوهش‌ها، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- کتاب «ازدواج ام‌کلثوم با عمر» اثر سیدعلی حسینی میلانی، که در سال ۱۳۸۵ در قم به چاپ رسیده است. این کتاب، متشکل از چهار بخش است که بخش اول، به بررسی راویان، بخش دوم به بررسی سند، بخش سوم به بررسی متن واقعه پرداخته و در بخش چهارم، روایات شیعی از این ازدواج را بیان کرده است.
- کتاب «الزواج ام‌کلثوم الزواج اللغز» اثر سیدعلی شهرستانی، هشت قول در رابطه با ازدواج ام‌کلثوم با عمر از دیدگاه شیعه و سنی، مشهور و غیرمشهور را جمع‌آوری کرده و قول مشهور بر ازدواج عمر با ام‌کلثوم را از جهت اجتماعی و تاریخی مورد بررسی قرار داده است. در ادامه به ام‌کلثوم‌های مختلف ادب اشاراتی داشته و جایگاه راویان و ناقلان را بررسی سندی کرده است. این کتاب به طور مفصل و از لحاظ اعتقادی و فقهی، به ازدواج اجباری و با اکراه پرداخته و در انتهای نتیجه گرفته است که هرچند این ازدواج در منابع اهل سنت پذیرفته شده است، اما با مباحث فقهی و اعتقادی شیعه تنافی دارد و با یازده استدلال، موضوع ازدواج عمر با ام‌کلثوم بنت علی علیه السلام را رد می‌کند.

- کتاب «سکینه بنت الحسين» اثر عایشه عبدالرحمون بنت الشاطئ که در دارالكتاب العربي بيروت در سال ۱۹۸۵ م به چاپ رسيده است.
- مقاله «ازدواج امکلثوم با عمر» به قلم آيت الله محمد هادی معرفت، انتشاريافته در فصلنامه اسلام پژوهان در بهار ۱۳۹۲، دارای روبيکردی کلامی و در رد گفتار اهل سنت است. اين مقاله نيز مطالعه موردي داشته و به يك ازدواج علويان پرداخته است.
- مقاله «ازدواج عمر با امکلثوم از نگاه فريقيين» اثر محمد الله اکبری، انتشاريافته در شماره ۲۳ مجله پژوهش نامه حكمت و فلسفة اسلامی در پايميز ۱۳۸۶، بعد از بررسی مفصل اين موضوع، در صدد اثبات تحقق اين ازدواج است.
- مقاله «ازدواج امکلثوم با عمر در هاله اي از ابهام» اثر مصطفی عزيزي، انتشاريافته در مجله مبلغان در بهمن و اسفند ۱۳۸۶، دو ديدگاه شيعه و سنی نسبت به اين ازدواج را مطرح كرده است.
- مقاله «سکینه بنت الحسين و حدیث الزوجات» از محمد صبان انتشاريافته در مجله اجوبه المسائل الدينیه، مجلد ۱۳ جمادی الاولی ۱۳۸۹ق، جزء ۵، به بررسی موضوع ازدواج سکینه خاتون با قاسم بن الحسن در كربلا بنا بر وصیت امام حسین علیهم السلام پرداخته است.
- پژوهش حاضر در صدد بررسی اهداف سیاسی بروز چنین ازدواج هایی است. بنابراین، موضوع، مسائل و حتی دامنه بحث مورد نظر، با پژوهش های پیشین متفاوت است؛ از اين رو در نوع خود بداعت و نوآوري خواهد داشت. قبل از ورود به بحث لازم است به برخی از مفاهيم مورداستفاده در اين پژوهش عينیت ببخشیم.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### علوی

از مهم‌ترین واژه‌ها در اين مقاله، واژه علوی است. تعاريف مختلفی در رابطه با علوی و علويان در حوزه‌ها و علوم مختلف بيان شده است. علمي همچون فقه، انساب، تاریخ، فرق

و سیاست، رویکرد و دیدگاه جداگانه در شرح واژه علوی ارائه کرده اند که بیان همه آنها، اطاله مطلب می‌شود. تبادر اولیه واژه علوی، به فرزندان امام علی علیه السلام است، اما در مصدق‌سازی و در عالم خارج، در میان علوم لغت، فقه، انساب و تبارشناسی، تفاوت‌های مشاهده می‌شود. نظر مختار در این پژوهش، به کارگیری این واژه در کتب تاریخی است. در بعضی از منابع تاریخی آمده که: «حضرت علی علیه السلام فرزندان بسیار داشتند که از پسران حضرت علی علیه السلام، پنج نفر، نسل و عقب داشتند که عبارتند از: امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، محمد حنفیه، عمر الاطرف و عباس. تمام علویان روی زمین، از نسل یکی از اینان می‌باشند». (ابن عنبه، ۱۳۸۰، ص ۶۳)

### مخالف

معنای لغوی مخالف، از ریشه «خَلَفَ»، اسم فاعل باب مفاعله، به معنای ضد، ناسازگار و مغایربودن با چیزی است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۹، ص ۹۴). معنای اصطلاحی مخالف در جامعه این است که مخالفت آنها در مرحله اعتقاد است و به مرحله عمل در اجتماع نمی‌رسد. به عبارت دیگر، در زندگی اجتماعی، موافقت داشته و همه در یک جامعه با قوانین حاکم بر آن، زندگی مسالمت‌آمیز دارند، اما در نوع تفکر، اندیشه و اعتقادات، با هم دارای اختلاف هستند. در جامعه صدر اسلام، گروهی با اعتقادات و اندیشه علویان، مخالفت داشته و در جبهه مقابل آنان حرکت و موضع‌گیری می‌کردند.

## ۲. عوامل ازدواج علویان با مخالفان

در موضوع ازدواج علویان با مخالفان خود، عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی نقش دارد که پژوهش پیش رو، به بررسی علل و عوامل سیاسی در بروز این ارتباطات نسبی در میان علویان با مخالفانش می‌پردازد. علویان در جامعه آن روز، برجسته و مشهور بودند و به عنوان رقیب مدعیان و یا طماعان و حريص‌مندان به خلافت و حکومت محسوب می‌شدند، لذا سیاست و ترفندهای سیاسی رقبای شان در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی آنان تأثیرگذار بوده است. در کنکاش این مسئله، باید از دو منظر به عوامل موثر از سوی رقبای علویان و خود علویان در پذیرش این گونه ازدواج‌ها نگریسته شود.

عوامل سیاسی، گاه به طور مستقیم و گاه غیر مستقیم، بر ازدواج‌های علیوان تاثیر نهاده است که این ازدواج‌ها از زاویه نگرش علیوان و رقبای سیاسی، بحث و بررسی می‌شود:

## ۲.۱. عوامل سیاسی موثر مستقیم

عوامل سیاسی که تاثیرات آن بر ازدواج علیوان محسوس بوده، شامل موارد زیر می‌شود:

### ۲.۱.۱. رقابت سیاسی-اجتماعی

رقبا و دشمنان علیوان، بهویژه کسانی که به شدت با امیرالمؤمنین علی‌الله‌کینه و کدورت داشتند، از جمله: عمر بن خطاب و معاویه بن ابوفیان، برای محونام، یاد و سنت امام علی‌الله‌کینه و تحقیر و منزوی ساختن علیوان، ترفندهای مختلفی در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برنامه ریزی کردند (مسعودی، ۱۴۰۹، ج، ۳، ص ۴۵۴). رقبای سیاسی، نابودی نسل حضرت علی‌الله‌کینه را با طرح ازدواج با دختران علوی و هضم نسبهای آنان در خاندان‌های غیر، رقم زندن. سیاستی که علیوان، بهویژه ائمه علی‌الله‌کینه از آن آگاهی داشته و مانع آن می‌شدند.

در قرآن کریم، درباره روش فرعون، که بر بنی اسرائیل اعمال کرد تا آنان را تضعیف کند و مانع رشد و بالندگی آنان شود، می‌فرماید: «يذبحون ابنائهم و يستحي نسائهم؛ پسرانشان را می‌کشتند و زنانشان را زنده نگه می‌داشتند» (بقره: ۴۹ و ابراهیم: ۶). فرعون، زنان بنی اسرائیل را زنده نگه می‌داشت یا برای اینکه آنان را فاسد کند و یا اینکه نسلشان را به فحشاء بکشاند و بدین طریق، نسبشان را از بین ببرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۴۶۶). فرعون، زنان بنی اسرائیل را با جوانان غیر بنی اسرائیلی مزدوج می‌کرد که هم به فساد کشیده شوند و هم نسل بنی اسرائیل منقطع گردد.

با بهره‌گیری از این بخش از آیات قرآن کریم می‌توان به چنین تحلیلی دست یافت که یکی از سیاست‌های فرعونی مخالفان سرسخت علیوان، بهویژه بنی امیه، ازدواج با دختران علوی، همان هدف فرعون بود؛ خصوصاً با بنی‌الحسن و بنی‌الحسین، که مقام امامت و رهبری شیعه را داشتند، تا این طریق بتوانند سلامت نسب‌هایشان را از بین برده و نسل

علوی، در نسل اموی و زیبری و... هضم شود. همچنین با ازدواج جوانان اموی با بنات و بیوه‌های علوی، اختلاط نسل به وجود باید تا جامعه و تاریخ، در تشخیص اجداد و نسب آنها دچار اشکال شوند. (ثقفی، بی‌تا، ج ۲ ص ۶۸۳)

شاید این سیاست، به طور ناخودآگاه و آشکار، به عنوان اختلاط نسل مطرح نبوده، ولی به طور طبیعی، با ازدواج امویان و علویان، اختلاط نسل صورت می‌گیرد؛ زیرا در آن زمان، نسب و انساب، از قبل از اسلام، به شدت در جزیره‌العرب حائز اهمیت بوده و علم الانساب در میان ایشان رواج داشت. از جمله، در تاریخ طبری، به «منافره» (تفاخر به حسب و نسب) میان حرب بن امیه با عبداللطیب اشاره شده است. (طبری، ۱۸۷۹، ج ۲ ص ۲۲)

در مقابله با این رویکرد بود که امام علی<sup>ع</sup> باره این تمایلات قومی، عناصری همچون: ایمان، اخلاص، حقانیت و هجرت را به عنوان ملاک‌های برتری بنی‌هاشم بر بنی‌امیه معرفی کردنند (نهج البلاغه، نامه ۱۷ و ۲۸). امام علی<sup>ع</sup> در بخشی از نامه ۲۸ «نهج البلاغه»<sup>۱</sup> به معاویه هشدار می‌دهد: تصور نکن اگر طایفه بنی‌هاشم با بعضی از بنی‌امیه درآمیخته و ازدواج کرده‌اند، دلیل بر یکسان بودن آنهاست؛ بلکه این، نوعی تفضل و ایثار بوده است.

علامه مجلسی در توضیح این بیان حضرت می‌نویسد: «بنی‌امیه، قریشی نیستند؛ بلکه خود را به این قبیله چسبانده‌اند و این است معنای سخن امیرمؤمنان<sup>ع</sup> که فرمود:

بنی‌امیه، لصيق‌اند<sup>۲</sup> و نسبشان به عبدمناف نمی‌رسد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۱، ص ۴۵۸)

بنابراین با توجه به مسئله نسب در میان اعراب، وقتی بنات علوی با امویان ازدواج کنند، نسبشان به امویان برمی‌گردد و نسل علویان که می‌توانست از ازدواج بنات علوی با بنان علوی صورت بگیرد، رو به زوال می‌رفت. این سیاست موزیانه کینه‌ورزان ضد علوی، مورد توجه امامان هم‌عصر اموی بود و با اقدامات به موقع خود مانع تحقق آن شدند. آنان برای ممانعت از این مسئله، دختران علوی را به ازدواج پسران علوی از نسل عقیل و جعفر و امام حسن و امام حسین<sup>ع</sup> درمی‌آوردند (أبی‌نصر البخاری، ۱۴۱۳، ص ۸) تا این فرصت از رقبای

۱. لَمْ يَمْتَنِعَا قَدِيمٌ عَرَبًا وَ لَا غَادِيٌّ طَلْقَاتٍ عَلَى قَوْمِكَ أَنْ خَلَطَتَا كُمْ بِأَنْفُسِنَا فَتَكَحْتَا فَنَلَ الْأَكْفَاءُ، وَ لَسْنُنُمْ هُنَالِكَ.

۲. لصيق به معنای باطل النسب است؛ یعنی بیگانه‌ای که او را به فامیل و قبیله‌ای چسبانده باشد.

بدخواه گرفته شود. همچنین تا حد امکان، ازدواج‌های درون‌خاندانی از خود علوبیان صورت می‌گرفت و اگر از سوی بنی‌امیه و یا غیر آن خواستگاری می‌شد، رد می‌کردند (ابن‌اشیر، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۱۳). در این راستا، امامان حتی حاضر نبودند همسران غیر علوی خود نیز به دست امویان بیفتند؛ همانند وصیت امام حسن مجتبی علیه السلام در رابطه با ازدواج به امام حسین علیه السلام با امام‌احراق بنت طلحه تا او به دست امویان نیفتند (طبری، بی‌تا، ص ۲۵). اما در مواردی نادر، این ازدواج با بنی‌امیه صورت می‌پذیرفت، مانند ازدواج نفیسه دختر زید بن الحسن علیهم السلام که همسر ولید بن عبدالملک شد. (ابی‌نصر البخاری، ۱۴۱۳، ص ۲۹ و ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۵ ص ۳۱۸)

## ۲.۱.۲. تحیر علوبیان

در رقابت‌ها و دشمنی‌های سیاسی تلاش می‌شود طرف مقابل را از هر راه ممکن، از صحنه اجتماع و سیاست، خارج یا محو کنند. یکی از این راه‌ها، حربه تحیر و تحقیق، به‌ویژه از طریق زنان گروه رقیب و با ازدواج با آن زنان و تحیر آنان به واسطه طلاق‌دادن یا با بی‌عزت‌کردنش صورت می‌گرفت. در مقابل، هم‌کفو بودن و هم‌شأن بودن و در صورت امکان، هم‌قبیله بودن، از عوامل عزت و احترام به شمار می‌رفت و معمولاً علوبیان در ازدواج، هم‌کفو خود را از درون خاندان و از نسل شریف خود قرار می‌دادند. قانون کفویت حتی در میان بنی‌امیه نیز اجرا می‌شد و سعی داشتند صرفاً با خاندان بنی‌امیه پیوند بخورند تا از لحاظ سیاسی، میراث‌دار جایگاهشان باشند و هم‌بزرگ داشته شوند. (حموی، ۱۳۹۹، ج ۱ ص ۱۵۲ و البغدادی، ۱۴۳۲، ص ۳۴۰)

اما گاه اتفاق می‌افتد که بنی‌امیه از همسر علوبیان، مثل رباب بنت امراء القيس همسر امام حسین علیهم السلام و دیگر بانوان علوی، همچون نفیسه بنت زید بن الحسن علیهم السلام، به قصد تحیر به واسطه رها کردن او و طلاق‌دادن یا سرزنش، خواستگاری می‌کردند. (ابن‌اشیر، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۷۹)

این‌گونه ازدواج محرمانه، در میان بنی‌امیه هم قابل مشاهده است؛ مانند ازدواج مروان بن حکم بعد از مرگ یزید بن معاویه با همسر یزید و مادر خالد بن یزید که مدعی حکومت بعد از پدر بود. مروان برای اینکه خالد را تحیر کند و بتواند حکومت را از او بگیرد، با مادرش ازدواج

کرد و همین نیت او، سبب مرگش توسط مادر خالد بن یزید شد. (قدسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۵۷)

آمار ازدواج علیان با بنی‌امیه نشان می‌دهد که چهار ازدواج با بنی‌امیه رخ داده است:

لیلی بنت امرؤه ابی‌مره نوه ابوسفیان که همسر امام حسین علیه السلام بود؛ ازدواج دو دختر امام علی علیه السلام به نام‌های رمله و فاطمه با معاویه بن مروان بن حکم و ابوالستانبل عبدالرحمن عبدالله بن عامر اموی و ازدواج نفیسه بنت زید بن الحسن علیه السلام با ولید بن عبدالملک بن مروان.

لیلی بنت امرؤه، مادر حضرت علی اکبر علیه السلام، با وجود اینکه نوه ابوسفیان است، اما از شرک و پلیدی این تبار به دور بوده و افتخار همسری امام حسین علیه السلام و مادری حضرت علی اکبر علیه السلام را داشته و چنین فرزندی را تربیت کرده است. (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۷۰، ص ۳۶)

درباره ازدواج دختر امام علی علیه السلام با معاویه بن مروان بن حکم برادر عبدالملک بن مروان بن حکم باید گفت که بنا به نقل ابن عساکر، اوی فردی به دور از سیاست بوده و بعيد است این ازدواج، سیاسی باشد (همان، ۱۴۱۵، ج ۵۹، ص ۲۷۷). تنها ازدواج سیاسی با بنی‌امیه، ازدواج نفیسه بنت زید بن الحسن علیه السلام با ولید بن عبدالملک بن مروان است. زمانی بین ابوهاشم بن محمدبن حنفیه با زید بن حسن نزاع شد و زید فهمید مردم عراق طرفدار ابوهاشم هستند و او را رهبر خود می‌دانند؛ لذا از مدینه به دمشق، به سوی ولید سفر کرد. این کار باعث شد ولید با نفیسه دختر زید ازدواج کند و ابوهاشم را زندانی کند (صفدی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۱۹). بر اساس این گزارش، پیوند سیاسی زید و ولید، عامل و زمینه پیوند سببی نفیسه با ولید شد. این گونه ازدواج‌ها به ازدواج‌های سیاسی موسوم است.

شاید ازدواج سیاسی در زمان علیان طبقه اول و دوم، به این عنوان رسمیت نداشته است؛ اما نمونه‌هایی مشاهده می‌شود که رقبای سیاسی علیان، برای تضعیف یا تحقیر و یا برای رفعت مقام خود، با انتساب به علیان، به این کار اقدام کرند؛ همچون ازدواج دختر امام حسن مجتبی علیه السلام با زبیریان، ازدواج همسر عباس بن علی علیه السلام با بنی‌امیه و توصیه امام حسن مجتبی علیه السلام بر ازدواج امام حسین علیه السلام با همسرش، بنت طلحه (البغدادی، ۱۴۳۲، ص ۳۲۶) و صفدی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۱۰۷) برای اینکه به دست رقبای بنی‌امیه‌ای نیفتند و... که تمام این موارد، از ازدواج‌های سیاسی حکایت می‌کند. به غیر از این موارد محدود ازدواج سیاسی

علویان، بنی‌امیه در وصول به هدف‌شان چندان موفق نبوده و با هوشیاری علویان، به‌ویژه رهبران علویان و ائمه علیهم السلام به اهداف شومشان نرسیده و ائمه مانع سیاست‌بازی‌های آنان در امر ازدواج با علویان شدند.

### ۳.۱.۲. زور و اجبار

فشار و محدودیت، یکی از اهرم‌های ظالمان است تا امر خود را بر دیگران تحمیل کرده و در سایه آن، به اهداف خود نائل آیند. در ازدواج با علویان، زبیریان بیشتر از این اهرم استفاده کردند که همین امر، مهم‌ترین عامل سیاسی ازدواج علویان خصوصاً زنان بیوه و دختران علوی با جبهه مخالفان به شمار می‌رود.

۹۳

در میان ازدواج‌های علوی، چند ازدواج از بنات حسنی با زبیریان، شاهد مثالی برای اجبار و اضطرار بوده است: ازدواج ام‌الحسن بنت حسن بن علی علیهم السلام با عبدالله بن زبیر که حاصل آن، دو فرزند به نام‌های بکر و رقیه است. ازدواج رقیه بنت حسن علیهم السلام با عمرو بن منذرین زبیر و ازدواج مليکه بنت حسن بن حسن علیهم السلام (دختر حسن مثنی) با جعفر بن مصعب بن زبیر که حاصل ازدواج‌شان دختری به نام فاطمه بود. همچنین نوه امام سجاد علیهم السلام به نام موسی بن عمر بن زین‌العابدین علیهم السلام با نوه عبدالله بن زبیر (عبدیله بنت زبیرین هشام بن عروه بن زبیر) ازدواج کرد و فرزندان آنها، عمر، صفیه و زینب نام داشتند. (أبوالفرق الأصفهاني، ۱۳۸۵، ص ۳۸۱ و أبی‌نصر البخاری، ۱۴۱۳، ص ۵۵)

با وجود روابط خصمانه بین زبیریان با علویان (سرافراز، ۱۳۹۶، ص ۱۷) که منجر به نزاع‌های لفظی بین حسنيان و زبیریان شده بود و بزرگان هر دو خاندان (زبیری و بنی‌هاشمی) را از قرابت و نزدیکی با هم برحدزمی داشت، طبعاً در این میان هیچ‌کس انتظار روابط حسن‌های در میان آنها ندارد و با بررسی داده‌های تاریخی، چنین تحلیلی را می‌توان ارائه کرد که این ازدواج‌ها، به اجبار بوده است.

بنا بر گزارش‌های تاریخی، ظاهراً زبیریان بعد از واقعه کربلا، صحنه سیاسی آن روز را برای خودشان باز دیدند و برای تسلط بر علویان و اعمال قدرت بر آنان، در کنار مبارزه با امویان، متولّ به ازدواج با بنات حسنی شدند تا این طریق، بزرگان علوی را مجبور به بیعت

با حکومت نوپای خود کنند (ابن عنبه، ۱۳۸۰، ص ۶۵) و همچنین رقیه بنت الحسن علیہ السلام که باعمروبن منذر ازدواج کرده بود، به مدینه برگردانده شد. براین اساس، شاهد ازدواج خوله بنت منظور، همسر امام حسن مجتبی علیہ السلام با عبدالله بن زبیر بعد از شهادت امام هستیم (البغدادی، ۱۴۳۲، ص ۳۲۶ و صفحه ۲۷، ج ۱۴۲۰، ص ۱۰۷) که به شرط صحت آن، احتمالاً برای تحت فشار قراردادن یا کنترل فرزندش حسن بن حسن انجام گرفته است.

گویا عبدالله بن زبیر، با ازدواج با بانوان حسنی، آنان را گروگان گرفته تا به اهداف سیاسی خود برسد. لذا این ازدواج‌ها که بعد از حادثه کربلا اتفاق افتاده، حاکی از آن است که حکومت عبدالله بن زبیر، در حال استحکام و قدرتمندشدن است و این ازدواج‌ها با اجبار صورت گرفته است تا برادران مدعی آنها را مجبور به بیعت کند و برای قیام علیه زبیریان، اقدام نکنند.

شبیه به این ازدواج، در ازدواج نفیسه دختر زید بن حسن با ولیدبن عبدالملک (ابی نصر البخاری، ۱۴۱۳، ص ۲۹ و ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۱۸) مشاهده می‌شود که باعث وفاداری زید بن حسن به ولیدبن عبدالملک شد. جالب‌تر اینکه ازدواج‌های خیالی با بنی‌هاشم برای عبدالملک گفته شده است، از جمله: ازدواج عبدالملک با ام‌ایهها بنت عبدالله بن جعفرین ابوطالب و یا ازدواج با زینب بنت حسن مثنی که در آخر به طلاق هم ختم شده است که آنان محل اشکال هستند.

در میان ازدواج‌های سران سیاسی زبیری با بناهای اهل بیت علیهم السلام، ازدواج سکینه دختر امام حسین علیہ السلام با مصعب بن زبیر، بیشتر تبلیغ شده که محل اختلاف صاحب‌نظران و مورخان است. عده‌ای معتقدند که این ازدواج با اجبار صورت گرفته است. بر اساس نقل‌های مختلف تاریخی، سکینه پس از شهادت شوهرش در واقعه کربلا، با مصعب بن زبیر ازدواج کرده است و سبط بن الجوزی در این باره می‌گوید: اولین کسی که سکینه به عقد وی درآمد، آن هم از سر اجبار، مصعب بن زبیر بود (ابن جوزی، بی‌تا، ص ۲۴۹). گروهی نیز براین نظرند که این ازدواج، از سر مصلحت سیاسی بوده است. ابن طقطقی می‌نویسد: مصعب، سکینه دختر حسین علیه السلام و عایشه دختر طلحه را به همسری گرفت و آنها را یک جادرخانه خود گرد آورد (ابن طقطقی، ۱۳۶۰، ص ۱۲۴).

این ازدواج به رضایت حضرت سکینه علیه السلام نبوده و تنها از روی مصالح سیاسی - اجتماعی صورت

پذیرفته است. لذا وقتی حضرت سکینه علیها السلام پس از مرگ مصعب، با خواهرزاده او، عبدالله بن عثمان ازدواج می‌کند و سر از اطاعت او بر می‌گیرد و نشوز می‌کند، رملة بنت الزبیر، مادر وی و خواهر مصعب، نزد عبدالملک می‌رود و می‌گوید: اگر چنین نبود که ما می‌خواهیم پوششی بر کارهای خود بگذاریم، هرگز نسبت به کسی که رغبتی در ما ندارد، رغبتی نداشتیم (ابن طیفور، بی‌تا، ص ۱۹۲). با توجه به این جمله و تصریحی که در آن وجود دارد، به راحتی می‌توان به واقعیت این پیوند پی برد.

علاوه بر آن، عده‌ای از جمله این‌اثیر، دلیل ازدواج با مصعب را فرار از خواستگاری‌های امویان و ازدواج با آنان ذکر کرده‌اند. بنا به گزارش‌های مورخان، دختران امام حسین علیهم السلام پس از درگذشت شوهرانشان، از سوی حاکمان بنی امية مورد خواستگاری قرار می‌گرفتند و چون آنان از خاندان بنی امية، بر اثر ظلم‌هایی که می‌کردند، نفرت داشتند و برای اینکه در طعمه آنان قرار نگیرند، با افراد دیگری ازدواج می‌کردند تا هم به آنان پاسخ منفی داده باشند و هم از اذیت و آزاری که از سوی حاکمان بنی امية بر آنان روا داشته می‌شد، بکاهند. (ابن اثیر، ج ۵، ص ۱۳۸، ۱۱۳، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۱۵). با این رو، حضرت سکینه بعد از شهادت عبدالله بن حسن علیهم السلام، با مصعب بن زبیر، که

۹۵

قیمتی عوامل سیاسی در ازدواج علیوبن مامکان اعلاقی می‌باشد در عصر امروزان

حاکم کوفه شد، ازدواج کرد (ابن جوزی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۷۶ و بلاذری، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۴۱۵). پس از آنکه مصعب در جنگ با عبدالملک بن مروان کشته شد، عبدالملک از سکینه خواستگاری کرد، ولی وی نپذیرفت و این باعث کینه دستگاه خلافت مروانی با سکینه شد (بلاذری، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۴۱۵). با این حال، سکینه پس از مصعب، با عبدالله بن عثمان بن عبدالله بن حکیم بن حزام (ابن حزم، بی‌تا، ص ۵۴) و پس از وی، با اصیخ بن عبدالعزیز، که حاکم مصر بود، ازدواج کرد. هنگامی که عبدالملک بن مروان، از این ازدواج اطلاع یافت، به اصیخ دستور داد تا سکینه را طلاق دهد (الحسون، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۱). در نتیجه، با توجه به گزارش منابع تاریخی، استفاده می‌شود که دستگاه خلافت بنی امية، نقش مهمی در ازدواج‌های حضرت سکینه داشته است. در جمع‌بندی این‌گونه اخبار درباره ازدواج سکینه بنت الحسین علیهم السلام با مصعب بن زبیر و یا خواستگاری عبدالملک بن مروان از او به نظر می‌رسد منابع اهل سنت، با ذکر این مطالب، در صدد دادن آدرس غلط از حقیقت بوده‌اند؛ زیرا از فرزندان امام حسین علیهم السلام بعد از واقعه کربلا،

تنها سه نفر، امام سجاد علیه السلام و حضرت سکینه و فاطمه بنت الحسین علیهم السلام باقی ماندند. امام سجاد علیه السلام از همان ابتدای کار، تحت مراقبت و محدودیت شدید یزید و مروانیان قرار داشت. حضرت سکینه علیهم السلام پس از شهادت جانسوز پدر بزرگوارش در حادثه کربلا، حاضر به ازدواج نبود و دشمنان علویان، چه زیری و چه مروانی، که در صدد تصاحب ایشان بودند، وقتی این امر را در خارج امکان پذیر نمی‌بینند، لذا با بیان مطالب جعلی قصد داشتند روح و روان و شخصیت ایشان را در تاریخ تسخیر کنند. در میان همسرانی که برای سکینه خاتون ذکر شده، اصیخ بن عبدالعزیز نیز مشاهده می‌شود، درحالی که گفته می‌شود قبل از آن، عبدالملک از او خواستگاری کرده بود و ایشان نپذیرفته و باعث کینه عبدالملک از او شده بود (ابو الفرج الإصفهانی، ۱۴۲۳، ج ۱۹، ص ۸۷-۸۸).

حال چگونه ممکن است که سکینه خاتون، به خواستگاری عبدالملک جواب رد داده باشد و سبب کینه او شود، ولی در همان زمان، به همسری اصیخ بن عبدالعزیز، پسر عمومی عبدالملک درآمده باشد که او نیز از بنی امية است؟! آن هم با قراردادن مهریه سنگین و بناکردن شهری در شام به نام اصیخ، بر اساس شکایت سکینه خاتون از هوای شام!! با توجه به خصوصیت بنی امية از علویان، خصوصاً امام سجاد علیه السلام و خواهر ایشان، این گونه تقدیر، بعید به نظر می‌رسد.

از طرف دیگر نیز این ازدواج‌ها، با سیاست علویان به‌ویژه ائمه اطهار علیهم السلام در بحث نکاح دختران علوی سازگار نیست؛ زیرا سعی برآن بود که ازدواج‌ها در میان علویان یا درون خاندانی که هم‌کفو آنهاست، صورت بگیرد و یا با خانواده‌های شریف و همشان خود پیوند برقرار کنند. تقریباً همین روش در بنی امية نیز حاکم بود که از بنی امية همسر می‌گرفتند. به عنون مثال، عاتکه بنت یزید بن معاویة بن أبی سفیان، زوجه عبدالملک بن مروان شد و مادر یزید بن عبدالملک، برای عاتکه قصر ساخته است (حموی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۵۲). همچنین عبدالملک و سه پسرش، سلیمان و یزید و هشام، با چهار دختر عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان مزدوج شدند و یا معاویه بعد از قتل عثمان، از همسر عثمان خواستگاری کرد، ولی او نپذیرفت و تا آخر ازدواج نکرد (البغدادی، ۱۴۳۲، ص ۳۴۰). عمر بن عبدالعزیز نیز با دختر عمومی خود ازدواج کرد. همه این قرائی، نشانگر این است که آنان به دنبال هم‌رتبه و هم‌مقام خود در هم قبیله خود بودند و اگر گاه اتفاق می‌افتد که بنی امية از علویان، مثل نفسیه

بنت زیدبن حسن و یا رباب بنت امرء القیس، همسر امام حسین علیه السلام و دیگر بانوان علوی خواستگاری می‌کردند، هدف از آن، تحقیر، رها کردن و طلاق دادن او و یا مقاصد سیاسی است. این‌گونه سوء استفاده سیاسی برای تحقیر افراد، در میان بنی‌امیه نیز قابل مشاهده است؛ مانند ازدواج مروان بن حکم بعد از مرگ یزیدبن معاویه با همسر یزید، که چون آن زن، مادر خالدبن یزید، و خالد، مدعی حکومت بعد از پدر بود، برای اینکه خالد را تحقیر کند و بتواند حکومت را از او بگیرد، با مادرش ازدواج کرد و همین نیت او، سبب مرگش توسط مادر خالدبن یزید شد. (ابن‌سعد، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۱ و ابن‌الجوzi، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۴۹)

۹۷

نتیجه حاصله با رجوع به منابع معتبر تاریخی این است که اصل داستان ازدواج‌های متعدد حضرت سکینه علیه السلام با آل زبیر و بربایی مجالس شعر با شعرا توسط آن بانوی جلیل القدر، دروغی بیش نبوده و همگی، ساخته و پرداخته زبیریان بوده است. عبدالرزاق مقرم، پژوهشگر مسلمان، ازدواج بین مصعب و سکینه را با دلایل مختلف رد می‌کند و می‌گوید: اصل این قصه، ساخته دشمنان است؛ چون اولاً: بسیار بعید است که امام سجاد علیه السلام به دشمن خود چنین اجازه‌ای بدهد؛ درحالی‌که هیچ موضوعی از جانب مصعب آنها را تهدید نمی‌کرد، چون مصعب در بصره بود و امام با خواهرش، در مدینه بودند. ثانیاً: سند این داستان، مرسلا است. ثالثاً: در اسناد این داستان، افرادی (مانند مجادله) هستند که به خاطر ضعیف‌بودن راوی، علما از همه روایاتش اعراض کرده‌اند. همچنین ناقل این داستان (که شخصی به نام شعبی می‌باشد) خود اموی و از دشمنان اهل بیت است. (مقرم، ۱۴۱۳، ص ۱۱۲-۱۱۷)

محتوای روایات ازدواج سکینه خاتون با مصعب، ذلت و خواری اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام سجاد علیه السلام را به مخاطب القا می‌کند و بی‌تردید حاصل برنامه‌ریزی سیاسی مخالفان است؛ به‌گونه‌ای که می‌گویند امام سجاد علیه السلام راضی شد سکینه خاتون را به همراه چهار هزار دینار تقدیم مصعب کند. (ابوالفرق اصفهانی، ۱۴۲۳، ص ۱۶ و ۱۵۹)

در مقابل، گروهی از محققین معتقدند که ازدواج سکینه خاتون با مصعب بن زبیر صورت نگرفته و حضرت سکینه فقط با عبدالله بن حسن ازدواج کرده است؛ ولی عبدالله قبل از پیوند با ایشان، در کربلا شهید شد و این بانوی عزیز بعد از حادثه کربلا، در خانه برادرش امام

سجاد علیہ السلام سکونت کرد و همیشه عزادار مصیبت کربلا بود (بلاذری، ۱۳۹۴، ج، ۲، ص ۱۹۵ و ابن سعد، ۱۴۱۰، ج، ۵، ص ۱۴۰). نویسنده معاصر عراقی، علی محمد علی دخیل، در بخش چهارم از کتاب *اعلام النساء*، که به حضرت سکینه اختصاص دارد، پس از نقل و رد گزارش‌های بی‌اساس حاکی از ازدواج‌های متعدد جناب سکینه، در مقام نتیجه و جمع‌بندی می‌نویسد: شیعه برآن است که سکینه علیہ السلام جز با پسر عمومیش عبدالله بن حسن علیہ السلام ازدواج نکرده است. و بسیاری از اهل سنت نیز با این قول شیعه موافقت دارند... (دخیل، ۱۳۶۶، ص ۲۲). این قول را پیشتر علامه شبیر و علامه مقرم نیز در کتب خود آورده‌اند. (شبیر، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲)

مقرم در کتاب خود می‌گوید: مصعب بن زبیر، کارگزار برادرش در بصره بود. از این‌رو تسلطی بر حجاز نداشت تا امام سجاد علیہ السلام از او بیم داشته و به ناچار، خواهرش بانو سکینه را به ازدواج او درآورد. (مقرم، ۱۴۱۳، ص ۱۱۲-۱۱۷)

در این زمان، واقعه حره در مدینه اتفاق می‌افتد و امام سجاد علیہ السلام از این شورش، به دلیل سوء استفاده عبدالله بن زبیر از شورش مردم مدینه، حمایت نمی‌کند. از طرفی، تا زمانی که مختار قیام کند و مصعب بن زبیر بتواند بر او فائق آید و پیروز شود و کوفه را به دست بگیرد، حدود ۵ سال از زمان واقعه کربلا می‌گذرد. در این صورت، دست زبیریان از مدینه کوتاه است و فقط بر کوفه تسلط پیدا کردن. با این اوصاف، آیا می‌شود تصور کرد که سکینه خاتون، همسر مصعب بن زبیر شده باشد؟ از کربلا تا تصرف کوفه، ۵ سال فاصله است که مسلمان سکینه خاتون یا تحت سرپرستی امام سجاد علیہ السلام بوده و یا ازدواج کرده است. در هر صورت، امکان خواستگاری مصعب بن زبیر از امام سجاد علیہ السلام یا سکینه بانو وجود ندارد، چه بررسد به اجبار کردن ایشان. مضافا در این اخبار، ملاحظه شخصیت این بزرگواران نشده و تحقیر فراوان، کاملا در آن محسوس است.

آنچه که بین شیعه مسلم است، فقط ازدواج سکینه بنت الحسين با عبدالله بن حسن علیہ السلام بوده است و تعجب از ابوالفرج اصفهانی است که چطور این دروغ‌های فاحش را در کتاب خود آورده است با اینکه در کتب قبل از او، که به داستان زندگی حضرت سکینه پرداخته‌اند، این مطالب دیده نمی‌شود. (الحسنون، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۵-۵۱۱)

بنابراین با توجه به تناقضات اخبار درباره ازدواج سکینه خاتون، بعد از کربلا، آن گزارش‌ها قابل اعتماد نبوده و ایشان بعد از کربلا یا اصلاً ازدواج نکرده و یا مطابق با سیاست علويان، ازدواجی هم شان و هم کفو با خود داشته‌اند، به غیر از آن ازدواج‌هایی که در منابع اهل سنت، ذکر شده است. با استناد به دلایل طرفداران نظر دوم، می‌توان به این نتیجه رسید که برای سکینه خاتون، ازدواج‌ها و همسران دروغینی جعل کرده‌اند تا در سایه آن، به اغراض واهداف سوء خود برسند.

در برخی منابع، از ازدواج علويان از جمله پسر امام سجاد علیهم السلام و نوه‌های امام حسن مجتبی علیهم السلام مانند نفس زکیه، حسین بن حسن با دختران زیبری گزارش شده است که قطعاً این ازدواج‌ها نیز بعد از کربلا روی داده است. این قرابت بین بنی‌هاشم و بنی‌زیبر در طبقه سوم از علويان نشان می‌دهد که بین این دو گروه، مرز خانوادگی نبود و نزاع و رقابت سیاسی معمولاً بین افرادی پدید آمده بود که ادعای حکومت و یا امامت داشتند و در تکاپوی تشکیل حکومت و مبارزه با امویان بودند، ولی چون در میان دختران زیبری، این مسائل نبود و داعیه و انگیزه سیاسی نداشتند؛ لذا مشکلی هم برای قرابت با آنها در صورت دارابودن امتیازات اخلاقی و دینی نیز وجود نداشت و مسمی‌بودن فرزندان شان به نام‌های اهل بیت علیهم السلام حاکی از حاکمیت گرایش و تفکر شیعه در میانشان است.

بنابراین بر اساس توضیحات فوق، به غیر از چند نفر محدود از علويان و از زنان حسنی- به فرض صحت اخبار- به دلیل تحمیل بیعت بر وابستگانشان با عبدالله بن زیبر، ازدواج اجباری در علويان وجود نداشته و تمام گزارش‌ها ازدواج‌های اجباری از ازدواج امکلثوم بنت علی علیهم السلام با عمر تا ازدواج سکینه خاتون با مصعب بن زیبر و فاطمه بنت الحسين علیهم السلام، جعلی و دروغین است و در زمان بعد از آنها، برای وصول به اهداف سوء سیاسی، تحریف شده است.

## ۲.۲. عواملی سیاسی موثر غیر مستقیم

### انتساب به پیامبر اکرم علیهم السلام و اهل بیت علیهم السلام

یکی از انگیزه‌های تمایل ازدواج با پسران و دختران علوي، به ویژه نوادگان مکرم

پیامبر ﷺ یعنی امام حسن و امام حسین علیهم السلام و فرزندانشان، عشق و علاقه وافر به خاندان مطهر پیامبر اکرم ﷺ و مصدق آیه تطهیر بود. آنها این ازدواج را از افتخارات خود و خاندانشان می‌دانستند و هدف آنها از این ازدواج‌ها و انتساب به رسول خدا ﷺ، مشروعیت‌بخشیدن به اقدامات سیاسی فرهنگی خویش بود؛ به طوری‌که در برخی موارد، که نمی‌توانستند تایید و مشروعیت اقدامات خویش را با این انتسابات به دست آورند، به جعل حدیث و تا حدود زیادی، به تحریف سیره و عملکرد رسول خدا ﷺ پرداختند. با این حال، آسان‌ترین مسیر برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات خود را در ازدواج و انتساب به این خاندان جستجو کردند. قابل توجه است که این عشق و علاقه، به دو گونه واقعی و حقیقی، و تظاهری و تصنیعی و برای کسب وجه بوده است.

در مورد اول، بعضی افراد، از تمام وجود در قلبشان گرمی محبت به اهل بیت علیهم السلام را احساس می‌کردند و در خدمت آنان‌بودن را از توفیقات خود می‌دانستند که می‌توان از چندین نفر یاد کرد: امام‌احراق بنت طلحه که با وجود خواستگاری معاویه برای پسرش یزید از او، امام حسن مجتبی علیهم السلام را انتخاب کرد و به همسری این بزرگ‌زاده و فرد صالح درآمد و مادر فرزندانی به نام‌های حسن، حسین، طلحه، ابوبکر و فاطمه شد (ابن فندمه، بی‌تا، ج، ۱، ص ۳۵ و مفید، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۰)؛ بانویی که مورد رضایت امام حسن مجتبی علیهم السلام بود و سفارشش را به برادر خود امام حسین علیهم السلام کرده تا پس از شهادت امام، با او ازدواج کردند. (مفید، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۳۵ و بلاذری، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۱۴۶)

خوله بنت منظور، خانمی با عقل و کمال، که در ابتدا همسر محمد بن طلحه بود و وقتی شوهرش در جنگ جمل به قتل رسید، بعد از او خواستار همسری با امام حسن علیهم السلام شد و جریان را به پدرش گفت و دلیلش را سید شباب اهل الجنه بودن امام حسن مجتبی علیهم السلام بر شمرد. پس پدرش به مدینه آمد و خواسته دخترش را به امام حسن مجتبی علیهم السلام رساند و امام موافق فرمود و ازدواج صورت گرفت و ایشان مادر حسن بن حسن بود. (تاریخ الإسلام، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۳۲۹) و در المحبز آمده است: که بعد از شهادت امام حسن مجتبی علیهم السلام به همسری عبدالله بن زبیر درآمده است. (البغدادی، ۱۴۳۲، ص ۳۲۶ و صفدی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۱۰۷)

این گزارش‌ها نشان می‌دهد بعضی از ازدواج‌ها، با توافق پدر دختر با خانواده داماد صورت گرفته و بعضی اوقات، زنان به طور غیر مستقیم، خواستار همسری با اشخاص بزرگ و بزرگ‌زاده می‌شدند و همچنان حاکی از نشر احادیث پیامبر اکرم ﷺ درباره اهل بیت علیهم السلام در جامعه آن روز بوده که مبداء علاقه مردم به قرابت با اهل بیت علیهم السلام و خاندان مطهر پیامبر اکرم ﷺ بود.

بعضی از همسران اهل بیت علیهم السلام چنان علاقه زیادی به امام داشتند که بعد از شهادت امام، حاضر به ازدواج مجدد نشدند؛ هرچند خواستگارانی اشرفی داشتند مانند رباب بنت امراء القیس که بعد از شهادت امام حسین علیهم السلام، با وجود خواستگارانی از اشرف و بزرگان، ازدواج نکرد و گفت بعد از پسر رسول خدا، همدم کسی نخواهم شد. (ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۷۹)

ممکن است افرادی متعلق به خاندانی باشند که بغض، کینه یا حسادت اهل بیت علیهم السلام را در دل داشته باشند، اما وجود خود ایشان، مالامال از محبت به اهل بیت است، مانند بانویی از نوادگان محمد بن ابوبکر به نام ام فروه که بانویی پرهیزگار بود و محبت اهل بیت علیهم السلام را از جدش محمد بن ابوبکر (تربیت شده امیرالمؤمنین) به ارث برده بود؛ یعنی با وجود اینکه نام ابوبکر را به دوش می‌کشید، ولی عطر تربیت علوی را استشمام کرده بود.

ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابوبکر، زنی فهمیده و دوستدار اهل بیت علیهم السلام بود. امام صادق علیهم السلام درباره ایشان فرمود: مادرم از کسانی بود که ایمان آورد و تقوی و پرهیزگاری را اختیار کرد و احسان و نیکوکاری نمود (کلینی، ج ۱، ۱۳۸۸، ص ۴۷۲). ام فروه چنان مجلله و مکرمه بود که به سبب آن، حضرت صادق علیهم السلام را «ابن المکرمه» تعبیر می‌کردند. (طوسی، بیتا، ج ۲، ص ۴۷۲)

در اینجا می‌توان پاسخ سوالی را داد که چرا امام باقر علیهم السلام با شخصی از خانواده ابوبکر ازدواج کرده است؟ در جواب باید گفت برای ائمه علیهم السلام، بیش از نسب شخص، وجود پاک و اعتقادات ناب و ظاهر طاهر، اهمیت داشته است. لذا ممکن است با وجود پدر یا پدریزگ‌هایی که خود را در صفات مخالف با اهل بیت علیهم السلام شناساندند، فرزندان یا همسرانی با تقوا و با گرایش به اهل بیت علیهم السلام داشته باشند که عملکرد پدرانشان را نمی‌پسندیدند (قاضی نعمان مغربی، ۱۳۸۶،

ج، ۳، ص ۱۹۹، پاورقی) و در انتخاب دخترانشان، سیاست پدرانشان را دخیل نمی‌دانستند و بیشتر، شخصیت فرد را لاحظ می‌کردند.

در مقابل این عده، گروه دیگری بودند که با قصد و غرض سوء و اهداف سیاسی، به اهل بیت علیهم السلام ابراز علاقه می‌کردند تا از این راه، بهره سیاسی برده و تظاهر به انتساب آل النبی و اهل بیت علیهم السلام را تبلیغ کنند. علاوه بر خلفاً و بنی امیه، این سیاست در بنی العباس نیز پی‌گرفته شد و مامون به این کار اقدام کرد و با زور و اجبار، امام جواد علیهم السلام را داماد خود کرد تا بتواند در سایه این انتساب، محبوبیتی کسب کرده و مقاصدش را به سرانجام برساند.

(ابن واضح، ج ۳، ص ۳۸۴)

خبر جعلی خواستگاری یزید بن معاویه از زینب دختر عبدالله بن جعفر از این قبیل اخبار جعلی است (بلاذری، ج ۵، ص ۳۸۵). علاوه بر یزید، خلفای دیگر اموی، علاقمند به ارتباط سببی با خاندان پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم و نزدیکی به خاندان حضرت علی صلوات الله عليه و آله و سلم بودند؛ همانند عبدالملک بن مروان (ابن حزم، بی‌تا، ص ۳۵) یا خلیفه اموی، ولید بن عبد الملک که به انتساب به خاندان پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم علاقه داشته است. علاوه بر خلفای اموی، امیران اموی نیز از این منقبت جعلی راویان مواجب بگیر اموی بی‌نصیب نمانده‌اند. امویان ادعا کرده‌اند که امیر اموی، حاجاج بن یوسف ثقیفی نیز داماد پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم و حضرت علی صلوات الله عليه و آله و سلم شد. (همان، ص ۳۸) بنابراین انتساب به خاندان پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم در هر عصری، افتخاری انکارناپذیر است، لذا هرکسی که این فضیلت را داشته، به آن می‌بالد و هرکسی که از این منقبت محروم مانده، با روایات جعلی، سعی بر کسب آن برآمده است؛ به ویژه دستگاه‌های حکومتی که نام خلیفه الرّسول را یدک می‌کشند.

### ۳. انگیزه علویان در ازدواج با مخالفان

انگیزه ازدواج علویان با مخالفان با مخالفان را باید به دو قسمت تقسیم کنیم. الف) پنج امام معصوم علیهم السلام هم عصر با امویان؛ ب) سایر علویان از نسل حسنی و محمدبن حنفیه. الف) در ازدواج ائمه اطهار علیهم السلام با افراد، قصد و هدف پاک وجود داشته و هیچ‌گونه سوء

استفاده سیاسی یا طرد رقیب از صحنه‌های سیاسی مطرح نبوده است. این امر حاکی از آن است خانواده باید محل امن و آرامش حاصل از اعتقادات صحیح باشد و سیاسی بازی در آن دخیل نباشد. معمولاً درباره امام حسن عسکری و امام حسین علیهم السلام، درخواست ازدواج با خانواده مخالفان، از سوی خانواده آنان صورت گرفته است. همچون درخواست اشعث و یا بنت منظور برای ازدواج امام با دخترشان و پذیرش این خواسته از طرف امام بوده است. بنابراین، کرامت و بزرگواری امام در عدم رد این خواسته را می‌توان از جمله انگیزه ازدواج با مخالفان ذکر کرد؛ چون این افراد دارای اعتقاد و محبت به اهل بیت علیهم السلام بودند و مخالفت سیاسی پدران یا همسرانشان را به یدک می‌کشیدند، ولی باطنشان سرشار از عشق و علاقه به خاندان رسول خدا علیهم السلام بود. ازدواج امام باقر علیهم السلام با نوه ابوبکر نیز ربطی به خاندان ابوبکریون نداشته است؛ بلکه بیشتر مربوط به فرزندان محمد بن ابوبکر است که فقط اسم او را دارد، ولی تربیت شده امیرالمؤمنین علی علیهم السلام بوده که ذریه پاک با اعتقادات خالص داشته و شخصیتی مثل قاسم و دخترش در تبارش به وجود آمد. لذا ظاهراً ازدواج با مخالف است، ولی در حقیقت، ازدواج با موافق تلقی می‌شود.

۱۰۳

بنی‌الحسن  
عوامل سیاسی در ازدواج علیین  
با مخالفان اعتقادی سیاسی در عصر امرویان

ب) در ازدواج علیین با مخالفان، انگیزه‌های دیگر همچون سیاسی رویت می‌شود؛ به ویژه بنی‌الحسن که داعیه خلافت و قیام داشتند، برای دستیابی به حکومت و بازپس‌گیری قدرت از حاکمیت زمان‌شان، ازدواج‌هایی را صورت می‌دادند؛ مانند پسران عبدالله محن که برای جلب حامی و گسترش قدرت، ازدواج‌هایی با زیبریان داشته تا از این طریق، حمایت آنان را در مقابله با بنی‌امیه جلب کنند. اضافه بر این، مسئله اضطرار و اجبار نیز یکی دیگر از انگیزه‌های علیین در ازدواج با مخالفانشان است؛ زیرا زیبریان در زمان عبدالله بن زیبر، برای جلوگیری از نفوذ بنی‌هاشم در مکه و مدینه و گسترش قلمرو حکومتی خود، بعضی دختران بنی‌الحسن را مجبور به ازدواج می‌کردند تا برادرانشان را تحت بیعت خود درآورند؛ مانند خواهر و دختر زید بن حسن. لذا انگیزه‌هایی که مخالفان، به ویژه بنی‌امیه در ازدواج با علیین داشتند، در علیین کمتر مشاهده می‌شود و انگیزه علیین، پاک و الهی و به دور سیاست‌بازی بوده است.

## نتیجه‌گیری

برآیند سخن با توجه به نکاتی که در نوشتار مطرح شد آن است که عوامل سیاسی، نقش و تأثیر مهمی در ازدواج‌های علیيان داشته است. علیيان اگرچه قدرت را در اختیار نداشتند، اما با توجه به انتساب آنان به رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> و جایگاهی که در جامعه داشتند، مورد توجه عموم مردم به ویژه مخالفان بودند و این خود نقش مهمی در تلاش برای پیوند ازدواج با آنان داشت. از طرفی، گروه دیگر نیز به همین دلیل و برای بهانه‌ابردن علیيان تلاش می‌کردند. عوامل سیاسی، به شکل مستقیم و غیر مستقیم در این ازدواج‌ها نقش داشت. رقابت‌های سیاسی و قبیلگی و کاستن از جایگاه علیيان با ازدواج آنان با افرادی که هم‌کفو و هم‌شأن ایشان نبودند و یا طلاق بعد از ازدواج برای تحقیر، از نمونه‌های این اثرگذاری بود. هدف از این ازدواج‌ها در اصل، کنارزدن علیيان از صحنه‌ها و رقابت‌های سیاسی بود و در فرع آن، به اهداف دشمن سوز همچون نابودی نسل علیيان و منزوی‌کردن و تحقیر علیيان در اجتماع پردازند. لذا تلاش کردند که با ازدواج با علیيان، به اهدافشان برسند و در غیر این صورت، با اجبار و یا جعل ازدواج‌های دروغین مثل ازدواج ام‌کلشوم بنت علی<sup>علیها السلام</sup> با عمر و یا سکینه بنت الحسین با مصعب بن زیبر و... قصدشان را دنبال کنند. انگیزه حذف رقیب با ازدواج از سوی دشمنان علیيان مطرح بود؛ در حالی که از سوی علیيان، به ویژه ائمه اطهار<sup>علیهم السلام</sup>، این انگیزه وجود نداشته و با دید بزرگ‌منشی و ایجاد خانواده سالم و در ادامه، نسل سالم با توجه به اعتقاد، صحیح صورت گرفته بود.

## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

١. البغدادی، محمدبن حبیب (١٤٣٢ق)، *المحیر*، حیدرآباد: دائره المعارف العثمانیه.
٢. ابن اثیر (١٤٨٦ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
٣. ابن الجوزی (بی تا)، *المتنظم*، بی جا: دار الكتب العلمیه.
٤. ابن سعد (١٤١٥ق)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار صادر.
٥. ابن طیفور (بی تا)، *بلغات النساء*، قم: مکتبة بصیرتی.
٦. ابن عساکر (١٤١٥ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت: دار الفکر.
٧. ابن عنبه (١٣٨٠ق)، *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب*، نجف: حیدریه.
٨. ابن کثیر (١٤٠٨ق)، *البدایہ والنہایہ*، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
٩. ابن منظور (١٤٠٥ق)، *السان العرب*، قم: ادب حوزه.
١٠. ابن واضح (١٣٨٤ق)، *تاریخ یعقوبی*، نجف: حیدریه.
١١. ابن حزم، علی بن احمد (بی تا)، *جمھرہ الانساب العرب*، بی جا: دار الكتب العلمیه.
١٢. الإصفهانی، ابوالفرج (١٤٢٣ق)، *الاغانی*، بیروت: دار صادر.
١٣. — (١٣٨٥ق)، *مقاتل الطالبین*، نجف: حیدریه.
١٤. البخاری، أبي نصر (١٤١٣ق)، *سر السلسۃ العلویۃ*، نجف: شریف رضی.
١٥. بلاذری (١٣٩٤ق)، *انساب الاشراف*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للطبعواعات.
١٦. الشقی، ابراهیم بن محمد (بی تا)، *الغارات*، بی جا: بی نا.
١٧. ابن فندمه، أبوالحسن ظهیرالدین علی بن زید بیهقی (بی تا)، *باب الانساب*، بی جا: بی نا.
١٨. الحشون، محمد (بی تا)، *اعلام النساء المؤمنات*، بی جا: دار الاسوه.
١٩. الحموی، یاقوت (١٣٩٩ق)، *معجم البلدان*، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
٢٠. خامنه‌ای، سیدعلی (١٣٩٩ش)، طرح کلی اندیشه‌های اسلامی در قرآن، قم: ایمان جهادی.
٢١. دخیل، محمد علی (١٣٦٦ش)، سکینه دختر امام حسین علیہ السلام، تهران: امیر کبیر.
٢٢. سرافراز، علی (١٣٩٦ش)، بررسی مناسبات علویان و زینیان در سده نخستین، بی جا: مرندیز.
٢٣. شیر، جواد (١٣٨٨ق)، *ادب الطف*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للطبعواعات.
٢٤. صفدی (١٤٤٠ق)، *الواقی بالوفیات*، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
٢٥. طبری (١٣٨٦ق)، *الاحتجاج*، نجف: دار النعمان.
٢٦. طبری، محمدبن جریر (١٨٧٩ق)، *تاریخ طبری*، لیدن: بریل.
٢٧. طوسی (بی تا)، *اختیار معرفة الرجال*، بی جا: مؤسسه آل البيت علیہما السلام.
٢٨. کلینی، محمدبن یعقوب، ١٣٨٨ ش، کافی، تهران: دار الكتب الإسلامية.

۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بخار الأنوار، بيروت: الوفا.
۳۰. ابن طقطقی، محمدبن علی طباطبا (۱۳۶۰ش)، فخری فی الآداب السلطانیة والدول الاسلامیة، تهران: نشر کتاب.
۳۱. مدنی، بتول (۱۳۹۳ش)، نقش آفرینی زنان در جنگ های صدر اسلام تا آغاز امویان، قم: بوستان کتاب.
۳۲. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب، قم: دار الهجرة.
۳۳. مفید (۱۴۱۴ق)، الإرشاد، بيروت: دار المفید.
۳۴. مقدسی، ابونصرین مطهربن طاهر (بی‌تا)، البدء والتاريخ، بی‌جا: مکتبة الثقافة الدينية.
۵۳. مقرم، عبدالرزاق (۱۴۱۳ق)، سید السکینه، نجف: انتشارات شریف رضی.